



«نشریه علمی-پژوهشی آموزش و ارزشیابی»

سال نهم - شماره ۳۶ - زمستان ۱۳۹۵

ص.ص. ۱۴۵-۱۳۱

مقایسه سبک‌های هویت دانش‌آموزان با رفتارهای قلدری، قربانی و دانش‌آموزان عادی

نرگس پورطالب^۱

میرمحمد میرنسب^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۰۱/۲۵

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۵/۰۶/۲۳

چکیده

هدف پژوهش حاضر مقایسه سبک‌های هویت دانش‌آموزان قلدر، قربانی و عادی بود. طرح پژوهش حاضر از نوع طرح‌های علی-مقایسه‌ای می‌باشد. جامعه آماری پژوهش شامل دانش‌آموزان پسر دوره متوسطه بود که در سال تحصیلی ۹۴-۹۳ در شهر تبریز مشغول به تحصیل بودند. نمونه آماری پژوهش را، ۳۷۲ نفر از دانش‌آموزان مدارس پسرانه با میانگین سنی ۱۶ سال تشکیل می‌دادند که به روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای و از طریق سرند کردن برگزیده شدند. برای انجام این پژوهش نمونه مد نظر از طریق انتخاب معلمان و تکمیل پرسشنامه قلدر-قربانی الویوس انتخاب و به وسیله پرسشنامه سبک‌های هویت برزونسکی مورد آزمون قرار گرفتند. برای تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده از روش تحلیل واریانس چند متغیره استفاده شد. یافته‌های این پژوهش نشان داد که بین سبک‌های هویت دانش‌آموزان قلدر، قربانی و عادی تفاوت معنا دار وجود دارد، به طوری که دانش‌آموزان قلدر، دارای سبک هویت اجتنابی/ سردرگم و دانش‌آموزان قربانی دارای سبک‌های هویت هنجاری و اطلاعاتی و دانش‌آموزان عادی دارای سبک‌های هویت هنجاری هستند؛ از نظر تعهد هویت بین سه گروه تفاوت معناداری مشاهده نشد. یافته‌های پژوهش حاضر تأثیر ویژگی‌های قلدری و قربانی را در سبک‌های هویت برجسته نمود؛ لذا این یافته‌ها می‌تواند، راهگشای تحقیقات بیشتر، در خصوص متغیرهای پژوهش، در آینده باشند.

واژگان کلیدی: سبک‌های هویت(اطلاعاتی، هنجاری، اجتنابی/سردرگم)، قلدر، قربانی و دانش‌آموزان

۱. دانشجوی دکتری روانشناسی تربیتی، دانشگاه تبریز، ایران (نویسنده مسئول) Pourtalebn@gmail.com

۲. دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه تبریز، ایران

A Comparison of Identity Style among Students with Bully, Victim and Normal Behaviors

Narges Pourtaleb
Mir Mahmoud Mirnasab

Date of receipt: 2016.04.13
Date of acceptance: 2016.09.13

Abstract

The aim of this study is to compare the identity styles of students with bully, victim and normal behavior. The statistical population of the present study included all male students studying at secondary studies in Tabriz during the academic year 1993-1994. The statistical sample of the study included 372 male students with an average age of 16 years who were selected through a multistage cluster sampling and screening methods. To carry out the study, the samples were identified and tested through teachers' nomination and completing the Victim-Bully questionnaire of Olweus and the Identity Styles questionnaire of Berzonsky. To analyze the data, a multivariate variance analysis was used. The findings showed that there is a significant difference between the identity styles of students with bully, victim and normal behaviors, and that the bully students have an avoidant and confused identity, the victim students have normative/ informative identity styles, and finally, the ordinary students have normative identity styles. There was not significant difference between the identity commitments of the three groups. The results of this study highlighted the affection of the bullying and victim characteristics in the identity style. Therefore, it can open the ways for further research on the cause and effect relationship between the bully behavior and identity styles.

Keywords: identity styles (informative, normative, avoidance / confused), bully, victim, students

مقدمه

قلدری یکی از مشکلات عمده ای است که افراد در مدارس در ارتباطاتشان با آن روبرو می‌شوند (چنگ، چن، چی هو و لینق چوق^۱، ۲۰۱۱). قلدری نوعی از رفتار پرخاشگرانه و شامل عدم توازن قدرت است، که در آنک شخصاً گروهی از افراد به طور عمدی و به گونه ای مکرر به دیگران حمله می‌کنند، سایرین را کتک می‌زنند و نسبت به شخصی که از آن‌ها نسبتاً ضعیف تر است پرخاشگری می‌کنند (اسچمان، کریچ و رسو^۲، ۲۰۱۴). افراد در فرایند قلدری می‌توانند قلدر^۳، قربانی^۴، قلدر-قربانی^۵ باشند؛ در این میان عده ای نیز ناظر^۶ قلدری هستند (سویرر، ونگ، مگ، سیبکر و فریریچز^۷، ۲۰۱۲). قلدری به شکل رفتار ماهرانه جهت رسیدن به هدف، می‌تواند اثرات زیانباری برای هر کدام از این افراد به دنبال داشته باشد (الوف، قوسنس، ورمند، آلو و میلیم^۸، ۲۰۱۱).

اثرات قلدری می‌تواند کوتاه مدت و حتی بلند مدت باشد. از اثرات کوتاه مدت آن می‌توان به کاهش سطوح عزت نفس^۹، افسردگی^{۱۰}، آسیب رساندن به خود^{۱۱}، تمایل به خودکشی^{۱۲}، اضطراب^{۱۳} (هی و ملدرم^{۱۴}، ۲۰۱۰)، بالاخص در افراد قربانی اشاره کرد. اثرات بلند مدت قلدری هم به صورت‌های مختلف رخ می‌نماید؛ از جمله این که، قلدری با مشکلات سازگاری در مدرسه ارتباط می‌یابد. بیشتر این دانش‌آموزان، معمولاً مشکلات درونی سازی^{۱۵} و برونی سازی^{۱۶} را به صورت اختلالات رفتاری و هیجانی از خود بروز می‌دهند و به همین دلیل هم گاهی از خدمات آموزش و پرورش ویژه استفاده می‌کنند (فارمر و همکاران، ۲۰۱۲). با توجه به اثرات زیانبار قلدری بر دانش‌آموزان و محیط اجتماعی، بررسی اکتشافی علل و عوامل زمینه ساز آن می‌تواند حائز اهمیت باشد. زیرا عوامل مختلف فردی و اجتماعی نظیر سن، جنس، سطح تحصیلات والدین، مهاجرت، و تغییر مدرسه می‌توانند زمینه ساز و پیش بینی کننده قلدری باشند (چنگ و همکاران، ۲۰۱۱). افزون بر این موارد، برخی از ویژگی‌های شخصیتی و روانشناختی نیز می‌توانند با رفتارهای قلدری ارتباط داشته باشند. از جمله این ویژگی‌های روانشناختی که به نظر می‌رسد، می‌تواند با قلدری دانش‌آموزان و قربانی شدن آنان در ارتباط باشد، سبک‌های

-
1. Cheng, Chen., Chi Ho., & Ling Chevg
 2. Schumann, Craig & Rosu
 3. bully
 4. victim
 5. bully- victims
 6. bystander
 7. Swearer, Wang, Maag., Siebecker, Freerichs
 8. Olthof, Goossens., Vermand, Aleva, & Meulem.M.
 9. Self-esteem
 10. depressive
 11. Self-harming
 12. suicidal
 13. anxiety
 14. Hay & Meldrum
 15. internalizing
 16. externalizing

هویت^۱ نوجوانان می باشد. با عنایت به شیوع فزاینده رفتارهای قلدری در نوجوانان به نظر می رسد که بررسی سبک هویت دانش آموزان و ارتباط آن با پدیده قلدری و قربانی شدن بسیار حائز اهمیت باشد. طبق تعریف، هویت سیستم پیچیده ای از مفهوم خود شکل گرفته در متن جامعه است که تفسیری برای تجارب زندگی فراهم می کند و به هدایت و راهنمایی تصمیمات زندگی کمک می کند (کرپلمن، پیتمن، و آدلر بایدر^۲، ۲۰۰۸). اما در تعریف هویت، بسیاری از محققان بر سبک‌های هویت تاکید کرده اند (دوریز و سوننس^۳، ۲۰۰۶).

برزونسکی (۱۹۹۰؛ به نقل از دوریز و سوننس، ۲۰۰۶)، مدل فرایندی از اطلاعات هویتی ارائه داده است که بر تفاوت های فرایند شناختی- اجتماعی و راهبردهایی تمرکز می کند که برای دستیابی اجتناب از تکالیف ایجاد، حفظ و بازسازی درک از هویت استفاده می شود. سه سبک پردازش شناختی- اجتماعی هویت در این مدل باهم مقایسه می شوند: سبک اطلاعاتی، سبک هنجاریا قراردادی و سبک سردرگما اجتنابی.

افراد با سبک اطلاعاتی، تعمدانه اطلاعات مربوط به خود را جستجو، پردازش و ارزیابی می کنند. قبل از حل بحران هویت و ایجاد تعهد نسبت به آن، این افراد تمایل دارند تا اطلاعات زیادی را در مورد خودشان کسب کنند و خود را با ویژگی های شخصی مانند ارزش های شخصی، اهداف و معیارها تعریف نمایند. افراد با سبک هنجاری به طور اتوماتیک با اهداف و معیارهای دیگران سازگار شده و آن ها را درونی می کنند. این گونه افراد تمایل دارند تا خود را با اصطلاحات جمعی مانند مذهب، خانواده و ملیت تعریف نمایند (برزونسکی، سیسیوچ، دوریز و سننز^۴، ۲۰۱۱؛ سلطانی، حسینی و محمودی، ۲۰۱۳). افراد دارای سبک سردرگما اجتنابی تلاش می کنند تا روبه رو شدن با کشمکش ها و تعارضات هویت را تا حد امکان به تعویق بیندازند. برطبق مدل برزونسکی، این سبک، ک خود متلاشی شده و سردرگمی را نشان می دهد. ک سبک سردرگم/اجتنابی با ویژگی هایی چون تعهد ضعیف، مرکز کنترل بیرونی، فاقد همدلی، خودباختگی و سبک هویت پراکنده آمیخته است. آن ها همچنین مشکلاتی در خودکنترلی دارند و به صورت تکانشی عمل می کنند (وزیری، کاشانی، جمشیدی فر و وزیری، ۲۰۱۴؛ برزونسکی و همکاران، ۲۰۱۱). این افراد خود را با واژه هایی که اجتماع به آن ها نسبت می دهد، نظیر شهرت و محبوبیت تعریف می کنند (برزونسکی و همکاران، ۲۰۱۱). با توجه به آن چه که مطرح شد، به نظر می رسد، افراد قلدرها قربانی سبک‌های هویت متفاوتی نسبت به افراد عادی داشته باشند. زیرا قلدری نوعی رفتار پرخاشگرانه است. تحقیقات متعددی نیز در راستای ارتباط انواع هویت و سبک‌های هویت با پرخاشگری (فلنگان^۵ و همکاران، ۲۰۱۱؛ بنیش ویس من^۱، ۲۰۱۵)، و اختلال سلوک (اسچوارتز^۲ و همکاران، ۲۰۰۹)

1. identity style

2. Kerpelman , Pittman , & Adler Baeder

3 . Duriez & Soenens

4. Berzonsk, Cieciuch, Duriez, & Soenens

5. Flanagan, et al

انجام گرفته است. به طوری که در پژوهش اسچوارتز و همکاران (۲۰۰۹)، رابطه معناداری بین هویت خود مغشوش و اختلال سلوک در نوجوانان اسپانیایی نژاد مهاجر در ایالات متحده به دست آمد. بعضی تحقیقات هم سبک‌های هویت افراد پرخاشگر را متفاوت از افراد دیگر ارزیابی کرده اند (اسمیتس، دومن، لویچ، دوریز و گوسینز^۱، ۲۰۱۱). در خصوص سبک‌های هویت نیز پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد، سبک اطلاعاتی قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده برای خود تنظیمی و مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان است (جنابادی و دهباشی، ۲۰۱۴). همچنین در پژوهش اسمیتس، دومن، لویچ، دوریز و گوسینز (۲۰۱۱)، سبک هویت اطلاعاتی با الگوهای سازگار رفتارهای میان فردی و سبک‌های هویت هنجاری و اجتنابی - سردرگم با الگوهای ناسازگار رفتارهای میان فردی در ارتباط بوده است.

با عنایت به نتایج تحقیقات در کل می‌توان گفت، افراد دارای سبک اطلاعاتی، رفتارهای سازگارانه بیشتری از خود نشان می‌دهند. سبک هویت هنجاری ممکن است با پرخاشگری رابطه‌ای، در ارتباط باشد، زیرا این گونه افراد تحمل کمتری در برابر اطلاعات اجتماعی که مخالف با ساختارها و باورهای شخصی آن‌هاست، دارند. این گونه افراد تمایل دارند با روش‌های دسیسه‌آمیزا خائنه و پرخاشگری رابطه‌ای دیگران را دست‌کاری و کنترل کنند. سبک هویت اجتناب‌نا سردرگم هم با پرخاشگری فیزیکی و هم با پرخاشگری رابطه‌ای، در ارتباط است. هم‌چنین رابطه مثبتی بین رفتارهای ضد اجتماعی و سبک سردرگم اجتنابی وجود دارد. این افراد به وسیله الگوهای رفتاری ناهنجار مشخص می‌شوند و تمایل به رفتارهای پرخاشگری دارند (اسمیتس، دومن، لویچ، دوریز و گوسینز، ۲۰۱۱). با توجه به پیشینه‌ای که مطرح شد، گذشته از این که پژوهشی در راستای رفتارهای قلدری و سبک‌های هویت انجام نگرفته است، بیشتر تحقیقات مرتبط نیز در خارج از ایران انجام گرفته و کاملاً مبرهن است که بافت فرهنگی و موقعیتی کشورها باکدیگر متفاوت است؛ از این رو در این زمینه وجود خلا پژوهشی محسوس است. به علاوه با در نظر گرفتن نتایج تحقیقات قبلی و با این فرض که بین افراد قلدر، قربانی و عادی از لحاظ انواع سبک‌های هویت تفاوت وجود داشته باشد، یافته‌های حاصل از این پژوهش می‌تواند در جهت پیشگیری از شکل‌گیری سبک‌های هویت نامطلوب به کار گرفته شود، و در جهت آگاهی‌رسانی به خانواده‌ها و دست‌اندرکاران آموزش و پرورش در خصوص حساس بودن نسبت به عوامل دخیل در شکل‌گیری هویت دانش‌آموزان مفید واقع شود. از این رو انجام پژوهشی با هدف مقایسه سبک‌های هویت دانش‌آموزان با رفتارهای قلدری، قربانی و عادی ضروری به نظر می‌رسد. لذا پژوهش حاضر با استناد به تفاوت سبک‌های هویت افراد پرخاشگر با افراد عادی، در جهت نائل شدن به هدف فوق‌الذکر انجام گرفت، که در خلال آن به این سؤال پژوهشی پرداخته شد: آیا بین سبک‌های هویت دانش‌آموزان با رفتارهای قلدری، قربانی و عادی تفاوت وجود دارد؟

1. Benish-Weisman
2. Schwartz, et al
3. Smits, Doumen, Luyckx, Duriez & Goossens

روش تحقیق

با توجه به هدف و ماهیت این پژوهش از نوع پژوهش های علی مقایسه ای (پس رویدادی) می باشد. جامعه آماری این پژوهش را دانش آموزان پسر دبیرستانی، با میانگین سنی ۱۶ سال تشکیل می دادند، که در سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳ در شهر تبریز مشغول به تحصیل بودند. با توجه به ماهیت پژوهش و با استناد به روش نمونه گیری تحقیقات قبلی، نمونه آماری با نام گذاری معلمان^۱ و همچنین با استفاده از ابزار قلدری و به روش نمونه گیری تصادفی چند مرحله ای خوشه ای انتخاب شد؛ به این طریق که ابتدا، از میان نواحی پنجگانه آموزش و پرورش تبریز، ناحیه ۱ و ۵ انتخاب شدند، سپس از هر ناحیه ۶ مدرسه و از هر مدرسه ۳ کلاس به عنوان نمونه اولیه انتخاب شدند. در ادامه شاخص های رفتار قلدری و قربانی که به صورت چک لیست تهیه شده بود، در اختیار معلمان و معاونان مدارس قرار گرفت؛ تا بر اساس آن شاخص ها، دانش آموزان قلدر و قربانی را معرفی نمایند. قبل از انتخاب آن ها توضیحات لازم در خصوص شاخص های انتخابی به معلمان داده شد. بعد از یک هفته براساس لیستی که معلمان از دانش آموزان قلدر و قربانی تهیه کرده بودند، دانش آموزان انتخاب شده (۴۸۳ نفر)، پرسشنامه قلدر-قربانی الویوس و پرسشنامه سبک های هویت را تکمیل نمودند. این دانش آموزان براساس جنسیت (پسر) و مقطع تحصیلی (سال های دوم و سوم دوره دوم متوسطه) همتا سازی شدند، تا امکان مقایسه فراهم آید. در زمان اجرای پژوهش، پس از دادن توضیحات لازم به دانش آموزان در خصوص هدف پژوهش، اهمیت موضوع و اهمیت پاسخ آن ها و دادن اطمینان به آنان مبنی بر محرمانه بودن اطلاعات اخذ شده از سوی آنان، از آزمودنی ها خواسته شد که با دقت ماده های آزمون ها را بخوانند و گزینه ای را که در مورد آن ها صدق می کند، انتخاب نمایند. نهایتاً پس از سرند کردن، دانش آموزانی که هم توسط معلم و هم به واسطه پرسشنامه الویوس به عنوان قلدر و قربانی مشخص شده بودند، نمونه نهایی را تشکیل دادند، که شامل ۱۲۴ نفر دانش آموز قلدر و ۱۲۴ نفر هم دانش آموز قربانی بودند. همزمان به همین تعداد (۱۲۴ نفر) هم دانش آموز عادی، پرسشنامه سبک های هویت را تکمیل نمودند. در تحلیل داده ها، از روش های آماری توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد) و استنباطی (تحلیل واریانس چندمتغیره) استفاده شد.

پرسشنامه قلدری/قربانی شدن الویوس

جهت ارزیابی قلدری دانش آموزان از پرسشنامه قلدری/قربانی الویوس (۱۹۹۶) استفاده گردید، که یک پرسشنامه گزارش شخصی ۳۹ سوالی است که براساس مقیاس درجه بندی لیکرت می باشد. دانش آموزان باید یکی از پنج پاسخ ارائه شده به هر سوال را انتخاب نمایند: «هرگز، یک یا دو بار، دو یا سه بار در ماه، تقریباً یک بار در هفته یا چند بار در هفته». این پرسشنامه آیتم های مختلفی از جمله،

1. Teacher nomination

الف : مواجهه با اشکال مختلف قلدری (فیزیکی، کلامی، غیر مستقیم، قومی و جنسی) و ب : اشکال مختلف قلدری کردن بر دانش‌آموزان دیگر، در طول ۲ یا ۳ ماه گذشته را اندازه‌گیری می‌کند و به علاوه میزان و نوع قلدری، مکان وقوع قلدری، کسی که زور می‌گوید، میزان گزارش قلدری به معلم و خانواده، و میزان مداخله معلم را ارزیابی می‌کند. ضرایب پایایی ثبات درونی این پرسشنامه در یک نمونه معرف وسیع بیش از ۵ هزار در دامنه ۰/۸۰ تا ۰/۹۰ به دست آمده است. ضرایب اعتبار همگرایی سوالات این پرسشنامه نیز با درجه بندی معتبر همسالان متوسط در دامنه ۰/۴۰ تا ۰/۶۰ به دست آمده است (الیوس، ۱۹۹۴).

پرسشنامه سبک‌های هویت برزونسکی

پرسشنامه سبک‌های هویت اولین بار در سال ۱۹۸۹ توسط برزونسکی، برای ارزیابی سبک‌های هویت و تعهد هویت، طراحی گردید. این پرسشنامه، شامل ۴۰ سؤال می‌باشد که از این میان، از ده سؤال به سبک هویت اطلاعاتی، نه سؤال به سبک هویت هنجاری، ده سؤال به سبک هویت اجتناب‌ناپذیر سردرگم و ده سؤال نیز به مقیاس تعهد اختصاص یافته است. افراد براساس مقیاس پنج درجه ای (ازک، کاملاً مخالفم تا پنج، کاملاً موافقم) به سؤالات پاسخ می‌دهند. برزونسکی (۲۰۰۰)؛ به نقل از برزونسکی و کوک^۱، (۲۰۰۰) ضریب آلفای کرونباخ را برای سبک اطلاعاتی ۰/۷۱، برای سبک سردرگم اجتنابی ۰/۷۵ و برای سبک هنجاری ۰/۶۵ برآورد کردند. در ایران نیز حجازی، برجلی لو و نقش (۲۰۱۰) در پژوهش خود، ضریب اعتبار برای سبک اطلاعاتی را ۰/۶۵، سبک هنجاری ۰/۶۰، سبک اجتنابی/اجتنابی ۰/۶۳ و تعهد هویت ۰/۷۰ برآورد کرده اند. در این پژوهش نیز ضریب آلفای کرونباخ پرسشنامه فوق، ۰/۷۶ برآورد شد.

یافته‌ها

جدول ۱: شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

Table 1

Descriptive indicators of the research variables

Variables	Group	Mean	Standard deviation	Number
متغیرها	گروه	میانگین	انحراف استاندارد	تعداد
Informative style سبک اطلاعاتی	Bullying	38.95	6.94	124
	Victim	41.29	5.89	124
	Uninvolved	39.88	5.91	124
Normative style سبک هنجاری	Bullying	31.91	5.48	124
	Victim	33.94	4.84	124
	Uninvolved	33.90	4.48	124
Avoidante style سبک اجتنابی	Bullying	28.56	5.94	124
	Victim	27.08	5.64	124
	Uninvolved	25.95	5.97	124
Idomntity cmitment تعهد	Bullying	34.62	6.51	124
	Victim	36.16	6.25	124
	Uninvolved	36.53	6.51	124

مندرجات جدول ۱ نشان می‌دهد که در متغیر سبک هویت اطلاعاتی، میانگین گروه قربانی (۴۱/۲۹) نسبت به دو گروه دیگر بیشتر است. در متغیر سبک هویت هنجاری هم، میانگین گروه قربانی (M= ۳۳/۹۴) نسبت به دو گروه دیگر بیشتر است. اما در متغیر سبک هویت اجتنابی- سردرگم، میانگین گروه قلدر (M= ۲۸/۵۶) نسبت به گروه دیگر بیشتر است و در متغیر تعهد، میانگین گروه عادی (۳۶/۵۳) بیشتر می‌باشد. در کل بالاترین میانگین (M= ۴۱/۲۹) مربوط به متغیر سبک اطلاعاتی در گروه قربانی و پایین‌ترین میانگین (۲۵/۹۵) مربوط به متغیر سبک اجتنابی- سردرگم در گروه دانش‌آموزان عادی می‌باشد. بالاترین انحراف معیار (۶/۹۴) مربوط به متغیر سبک اطلاعاتی در گروه قلدر و پایین‌ترین انحراف معیار (۴/۴۸) مربوط به متغیر سبک هنجاری و در گروه دانش‌آموزان عادی می‌باشد. در همه متغیرها، شاخص‌های تفاوت جزئی بین ۳ گروه وجود دارد.

به منظور بررسی و آزمون سوال پژوهش از روش تحلیل واریانس چند متغیره (MANOVA) استفاده شد. البته قبل از انجام تحلیل، پیش فرض های تحلیل واریانس چند متغیری مورد بررسی قرار گرفت. در این راستا ابتدا مفروضه برابری ماتریس کواریانس به وسیله آزمون ام باکس مورد بررسی قرار گرفت، که نتایج آن معنی دار نبود ($P < 0/05$)؛ و این نشان دهنده همگنی ماتریس واریانس کواریانس در گروه ها می باشد. هم چنین نتایج آزمون لون نیز معنی دار نبود ($P < 0/05$)، که نشان دهنده همگنی واریانس مؤلفه های متغیر هویت در گروه های پژوهش می باشد.

برای انجام تحلیل واریانس چندمتغیره از آزمون لامبدای ویلکز استفاده شد، که بر اساس آن F محاسبه شده (۴/۱۸۹)، در سطح $P < 0/001$ معنی دار می باشد. بنابراین می توان نتیجه گرفت که میانگین گروه ها نابرابرند؛ یعنی بین گروه ها تفاوت معنادار وجود دارد. از این رو می توان تحلیل واریانس تک متغیره انجام داد. نتایج تحلیل واریانس تک متغیره در جدول شماره ۲ ارائه شده است.

جدول ۲: تحلیل واریانس تک متغیره تفاوت گروه ها در متغیرهای مورد مطالعه

Table 2

Univariate analysis of variance between groups in the research variables

Variables متغیرها	Sum of squares مجموع مجذورات	df درجه آزادی	mean squares میانگین مجذورات	F آزمون F	Sig سطح معناداری	Partial Eta squared ضریب اتا
Informative style سبک اطلاعاتی	345.69	2	172.84	4.39	0.01	0.02
Normative style سبک هنجاری	332.102	2	166.05	6.75	0.001	0.03
Avoidance style سبک اجتنابی	423.17	2	211.58	6.16	0.002	0.03
Commitment تعهد	253.23	2	126.62	3.07	0.05	0.02

مندرجات جدول شماره ۲ نشان می دهد که سه گروه مورد مطالعه در ابعاد سبک‌های هویتی تفاوت معنادار باکدیگر دارند؛ چرا که F محاسبه شده برای تک تک این ابعاد، در سطح $P < 0/05$ معنی دار است. در ادامه جهت بررسی میزان این تفاوت از مقایسه های زوجی به واسطه آزمون بونفرونی استفاده شد، که نتایج آن در جدول شماره ۳ ارائه می شود.

جدول ۳: مقایسه زوجی میانگین ها از طریق آزمون بونفرونی

Table 3

Variables متغیرها	Compared گروه های مقایسه شد	Paired comparisons		Sig. سطح معنی داری	
		groups اختلاف میانگین	Mean difference انحراف استاندارد		Standard deviation
Information style سبک اطلاعاتی	Bully قلدری	Victim قربانی	-2.34*	0.79	0.01
		Normal عادی	-0.89	0.79	0.8
Normative style سبک هنجاری	Victim قربانی	Normal عادی	1.45	0.79	0.21
	Bully قلدری	Victim قربانی	-2.02*	0.63	0.004
Avoidant style سبک اجتنابی		Normal عادی	-1.98	0.63	0.005
	Victim قربانی	Normal عادی	0.04	0.63	1
Identity commitment تعهد هویت	Bully قلدری	Victim قربانی	1.48	0.74	0.14
		Normal عادی	2.605*	0.74	0.002
	Victim قربانی	Normal عادی	1.13	0.74	0.39
	Bully قلدری	Victim قربانی	-1.54	0.80	0.18
		Normal عادی	-1.91	0.80	0.06
	Victim قربانی	Normal عادی	-0.36	0.80	1

باتوجه به مندرجات جدول مقایسه‌های زوجی، از نظر سبک اطلاعاتی بین گروه های قلدر و قربانی تفاوت معنادار وجود دارد؛ چرا که تفاوت بین میانگین به دست آمده (-۲/۳۳۹) در سطح $P < 0/05$ معنادار می باشد؛ یعنی سبک اطلاعاتی در گروه قربانی نسبت به گروه قلدر بیشتر است ($M = 2/34$ ، $P < 0/05$). از این منظر بین گروه قلدر و عادی و گروه قربانی و عادی تفاوتی به دست نیامد. از نظر سبک هنجاری بین گروه قلدر با هر دو گروه قربانی و عادی تفاوت وجود دارد و این تفاوت به نفع گروه قربانی است ($M = 2/02$ ، $P < 0/05$) و در گروه قلدر، سبک هنجاری نسبت به دو گروه دیگر کمتر است. همچنین در این سبک بین دانش‌آموزان قربانی و عادی تفاوت معنی داری مشاهده نشد و این مؤید آن است که دانش‌آموزان عادی نیز دارای سبک هویت هنجاری هستند. از نظر سبک هویت اجتنابی / سردرگم بین گروه قلدر و قربانی تفاوت معنی دار نبود؛ اما بین گروه قلدر و عادی تفاوت معنی داری مشاهده شد؛ به طوری که سبک هویت اجتنابی / سردرگم در گروه قلدر نسبت به گروه عادی بیشتر بود ($P < 0/05$).

$M=2/61$). در تعهد هویت، هیچ تفاوت معنی داری بین گروه‌ها مشهود نبود، یعنی تفاوت بین سه گروه در سطح $P < 0/05$ معنادار نبود.

بحث و نتیجه گیری

هدف پژوهش حاضر، مقایسه سبک‌های هویت دانش‌آموزان با رفتارهای قلدری، قربانی و عادی بود. نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها مؤید آن بود که دانش‌آموزان قلدر، دارای سبک هویت سردرگم / اجتنابی هستند. اینافته با نتایج پژوهش اسمیتس، دومن، لویچ، دوریز و گوسینز (۲۰۱۱)، مبنی بر این که رفتارهای پرخاشگری (فیزیکی و رابطه‌ای) با سبک هویت سردرگم / اجتنابی در ارتباط است، تا حدودی همسو می‌باشد. در تبیین اینافته شایان ذکر است که، افراد دارای سبک هویت سردرگم / اجتنابی در معرض خطر رشدک هویت پوچ و بی اعتبار هستند که می‌تواند نتیجه رفتارهای خود تخریبی^۱ بوده و با رفتارهای خطرناک و مضر همبسته باشد (بامیستر^۲، ۱۹۹۱؛ به نقل از اسمیتس، دومن، لویچ، دوریز و گوسینز؛ ۲۰۱۱). دلیل این همبستگی این است که رفتار پرخاشگرانه (قلدری) نشانه‌ای از کم‌انگیزم دفاعی جهت جبران این احساس پوچی می‌باشد. همچنین افراد دارای سبک هویت سردرگم / اجتنابی با الگوی ناهنجاری از رفتارهای درون فردی^۳ مشخص می‌شوند و تمایل به پرخاشگری فیزیکی و رابطه‌ای دارند؛ همچنین این افراد بیشتر احتمال دارد از مواجهه با مسایل و سعی در حل آن‌ها اجتناب کنند و این مشخصه‌ها با ویژگی‌های افراد قلدر همخوانی دارد.

در تبیین نتایج مربوط به گروه دانش‌آموزان قربانی، که آن‌ها را دارای سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری معرفی کرده بود، شایان ذکر است که این دو سبک باهم تناقض ندارند، به طوری که افراد می‌توانند به درجاتی هر دو سبک هویت را در خود شکل دهند. افراد قربانی از آن‌جا که افراد درون‌گرای هستند، معمولاً سعی دارند تا اطلاعات زیادی در مورد خودشان کسب نمایند و این سبک اطلاعاتی آن‌ها را تبیین می‌کند. در این راستا می‌توان گفت، افراد قلدر به دلیل این که اتکا زیاد به خود دارند؛ لذا نیاز نمی‌بینند که در مورد خودشان از دیگران اطلاعات دریافت کنند؛ ولی با توجه به این که قربانیان اطمینان کمتری به توانایی‌های خود دارند و دارای عزت نفس پایین و دچار مشکل در مهارت‌های حل مساله هستند، تمعدانه اطلاعات مربوط به خود را جستجو، پردازش و ارزیابی می‌کنند. برزونسکی و کوک (۲۰۰۰) افراد با سبک هویت هنجار را افرادی وظیفه شناس و سازگار توصیف می‌کنند، که گرایش پایینی به گشودگی نسبت به ارزش‌ها، اعمال و افکار دارند. آن‌ها در برابر اطلاعاتی که نظام ارزش‌ها و باورهای فردی آن‌ها را به چالش می‌کشد، بسته عمل می‌کنند و به طور اتوماتیک با اهداف و معیارهای دیگران سازگار می‌شوند و آن‌ها را درونی می‌کنند (برزونسکی و همکاران، ۲۰۱۱). چنین

1. self- destructive behavior

2. Baumeister

3. inter personal behavior

افرادی با کاهش خود مشاهده گری، سایر منابع تکوین خود (مقایسه اجتماعی، بازخوردهای اجتماعی) را افزایش می دهند، که می تواند بیگانگی از خود را تشدید نماید. این وضعیت می تواند باعث کاهش شدید رفتارهای جرات آمیز شده و انسان هایی را بسازد که بله گو هستند، به طوری که جرات سخن گفتن به صورت مخالف در مقابل دیگران را بر طبق میل درونی شان ندارند و این ویژگی ها با ویژگی های افراد قربانی همخوانی دارد (یونسی، ۱۳۸۷). همچنین این پدیده را می توان با عنایت به تفاوت و شباهت موجود بین سبک هنجاری و اطلاعاتی نیز تبیین نمود؛ زیرا سبک اطلاعاتی و هنجاری در برخی موارد شبیه، ولی در برخی موارد دیگر با هم متفاوتند و این درجوامع مختلف با فرهنگ های متفاوت رخ می نماید. طبق نظر برزونسکی و کوک (۲۰۰۵)، در جوامع جمع گرا مقایسه افراد هنجاری و اطلاعاتی، با تمرکز بر تفاوت بین آن ها امکان پذیر است. عنی ویژگی هایی که ممکن است از نظر فرهنگ فردگرا مشخصه افراد با سبک هنجاری باشد، در جامعه جمع گرا مشخصه افراد با سبک اطلاعاتی است. به عبارت بهتر، برخی از ویژگی هایی که به نظر می رسد ویژگی سبک هویت اطلاعاتی باشند، براساس این که در چه فرهنگ و بافتی مورد نظر قرار گیرند، ممکن است هنجاری تلقی شوند.

در این پژوهش افراد عادی هم دارای سبک هویت هنجاری معرفی شدند، اما از نظر تعهد هویت تفاوت معناداری بین گروه ها مشاهده نشد. اینافته را این گونه می توان تبیین نمود: با توجه به این که تعهد به طرفداری و تابعیت از مجموعه ای از احکام، اهداف و ارزش ها اشاره می کند (سونن، برزونسکی، ونستینکیست، بیرزوغوسنز، ۲۰۰۵)، که اعتماد به نفس از آن منتج می شود (کروسیتی، رایینی، برزونسکی و میوز، ۲۰۰۹)؛ لذا افراد در هر موقعیتی به درجاتی از این ویژگی برخوردارند و به احتمال زیاد همین موضوع تبیین کننده عدم تفاوت از نظر تعهد هویت در گروه های مورد مطالعه می باشد.

اجرای این پژوهش با محدودیت هایی مواجه بوده است: باتوجه به نوع پژوهش (علی-مقایسه ای)، امکان دستکاری و کنترل متغیرها وجود نداشته و متغیرها قبلاً تأثیر خود را گذاشته اند؛ بنابراین امکان تبیین علی روابط مشاهده شده بین متغیرها وجود نداشته است. به علاوه با عنایت به این که در زمینه موضوع پژوهش پیشینه تجربیافت نشد، تبیین یافته ها با مشکل مواجه گردید. همچنین مشکلات احتمالی مربوط به ابزار (پرسشنامه) و امکان سوگیری در پاسخدهی نیز نباید از نظر دور داشته شود، زیرا گزارش های شخصی در پرسشنامه ها به دلیل دفاع های ناخودآگاه و تعصب در پاسخ دهی مستعد تحریف هستند، لذا ممکن است بر تعمیم نتایج تأثیر بگذارد. افزون بر آن به دلیل این که، دخالت ویژگی های فردی، خانوادگی و اجتماعی دانش آموزان در شکل گیری هویت آنان مورد بررسی قرار نگرفته است. لذا به دلیل این محدودیت ها؛ لازم است تعمیم نتایج به دست آمده از این پژوهش با احتیاط صورت گیرد.

در پایان براساس چارچوب نظری پژوهش و با عنایت به یافته های تحقیق، پیشنهاد می شود، این پژوهش بر جمعیت های غیر دانش آموزی نیز انجام گیرد، تا امکان تعمیم پذیری بیشتر فراهم گردد.

همچنین با توجه به مشکلات مربوط به ابزار تشخیصی، پیشنهاد می‌شود، در پژوهش‌های آتی، از ابزارهای هنجاریابی شده و مصاحبه‌های بالینی در کنار نام‌گذاری معلم، جهت شناسایی افراد با ویژگی‌های قلدری و قربانی استفاده شود. از لحاظ کاربردی پیشنهاد می‌شود، آگاهی‌رسانی به خانواده‌ها و دست‌اندرکاران آموزش و پرورش در خصوص حساس بودن نسبت به عوامل دخیل در بروز هویت دانش‌آموزان از طریق رسانه‌های جمعی صورت گیرد، تا از شکل‌گیری سبک‌های هویت مغشوش پیشگیری به عمل آید.

تشکر و قدردانی

بدین وسیله از معاونت محترم پژوهشی اداره آموزش و پرورش (نواحی ۱ و ۵) و مدارسی که امکان انجام این پژوهش را برای اینجانبان فراهم نمودند و همچنین از کلیه دانش‌آموزانی که در اجرای این پژوهش ما رااری نمودند، تشکر و قدردانی می‌گردد.

References

منابع

- یونسی، سیدجلال، (۱۳۸۷) *درمان اختلالات روانی در کودکان، نوجوانان و خانواده‌ها*، تهران: انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی/انتشارات رسانه تخصصی.
- Benish-Weisman, M. (2015). Brief report: Ethnic identity and aggression in adolescence: A longitudinal perspective. *Journal of Adolescence*, 30, 1-4.
- Berzonsky, M.D., Cieciuch, J., Duriez, B., & Soenens, B. (2011). The how and wath of identity formation: Association between identity styles and value orientations. *Journal of Personality and Individual Differences*, 50, 295-299.
- Berzonsky, M. D., & Kuk, L. S. (2000). Identity status, identity processing style and transition to university. *Journal of Adolescent Research*, 15(1), 81-98.
- Berzonsky, M. D., & Kuk, L. S. (2005). Identity style, psychosocial maturity, and academic performance. *Personality and Individual differences*, 39, 235-247.
- Crocetti, E., Rubini, M., Berzansky, M., & Meeus, W. (2009). Brief report: The Identity styles inventory validation in Italian adolescents and college. *Journal of Adolescence*, 32, 425 – 433.
- Cheng, Y. Y., Chen. L. M., Chi Ho., & Ling Chevg. Ch. (2011). Definition of school bullying in Taiwan. *Journal of School Psychology Intervention*, 32(3),227-243.
- Duriez, B., & Soenens, B. (2006). Personality, identity styles, and religiosity : An integrative study among late and middle adolescents. *Journal of Adolescence*, 29, 119 – 135.

- Farmer, T. W., Petrin, R., Brooks, D. S., Hamm, J. V., Lambert, K., & Gravell, M. (2012). Bullying involvement and the school adjustment of rural students with and without disabilities. *Journal of Emotional and Behavioral Disorders*, 20(1), 19-37.
- Flanagan, T., Iarocci, G., D'Arrisso, A., Mandour, T., Tootoosis, C., Robinson, S., & Burack, J. (2011). Reduced rating of physical and relational aggression for youths with a strong cultural identity: evidence from the Naskapi people. *Journal of Adolescent Health*, (49), 155-199.
- Hay, C., & Meldrum, R. (2010). Bullying victimization and adolescent self-harm: Testin hypotheses from general strain theory. *Journal of Youth and Adolescence*, 39(5), 446-459.
- Hejazi, E., Borjalilu, S., & Nagsh, Z. (2010). Identity styles, identity commitment and academic self-efficacy: Has identity commitment a mediating role? *Journal of Psychology*, 13, 377-390.
- Jenaabadi, H., & Dehbashi, A. (2014). Investigating the role of identity styles in predicting responsibility and academic self-regulation of third grade male high school students in Zahedan. *International Journal of Social Science & Education*, 4(4), 969-977.
- Kerpelman, J. L., Pittman, J. F., & Adler-Baeder, F. (2008). Identity as a moderator of intervention-related change: Identity style and adolescent responses to relationship education. *Journal of Theory and Research*, 8, 151-171.
- Olthof, T., Goossens, F. A., Vermand, M. M., Aleva, E. A., & Meulem, M. (2011). Bullying Asstrategic behavior: Relations with desired and acquired dominance in the peer group. *Journal of School Psychology*, (49), 339-359.
- Schumann, L., Craig, W., & Rosu, A. (2014). Power differentials in bullying: *Individuals Violence*, 29(3), 227-243.
- Schwartz, S. J., Mullis, R. L., Waterman, A. S., & Dunhum, R. M. (2009). Ego identity status, Identity styles, and personal expressiveness: An empirical investigation of three convergent constructs. *Journal of Adolescent Research*, 15 (4), 504-521.
- Smits, I., Doumen, S., Luyckx, K., Duriez, B., & Goosseens, L., (2011). Identity styles and Interpersonal behavior in emerging adulthood: The intervening role of empathy. *Social Development*, 20(4), 665-684.
- Soltani, A., Hosseini, S., Mahmoodi, M. (2013). Predicting identity style based on family communication pattern in young males. *Social and Behavioral Sciences*, (84), 1386-1390.
- Soenens, B., Berzonsky, M. D., Vansteenkiste, M., Beyers, W., & Goossennse, L. (2005). Identity styles and causality orientations: In search of the motivational underpinnings of the identity exploration process. *European Journal of Personality*, 19, 427-442.
- Swearer, S. M., Wang, C., Maag, J. W., Siebecker, A. B., & Freerichs, L. J. (2012). Understanding the bullying dynamic among students in special and general education. *Journal of School Psychology*, (50), 503-520.

- Vaziri, SH., Lotfi Kashani, F., Jamshidfar, Z., & Vaziri, Y. (2014). Brief report: the Identity style inventory- validation in Iranian college students. *Social and Behavioral Sciences*, (128), 316-320.
- Younesi, S. J. (2008). *Mental Disorders Therapy in children, adolescents and families*. Tehran: University of Welfare and Rehabilitation Sciences. [In Persian]

